

جمله چنان بکنند از سلسله را **شیخ ابوالحسن رحمه الله** وی چون
 خواجه یوسف همدانی از اصحاب شیخ ابوعلی فارمدی است و این درای شیخ
 مشهور است که از رسایل عین القضاة همدانی معلوم می شود از او است **شعر**
 دیدم زها کیستی و اصل جهان **و** ز عت و عا بر کد شتم آسان
 آن نور سیه ز لانتظ بیرون برزدان **و** زان نیز کد شتیم نه این ما ندان
شیخ حسن سکا سمنانی وی از اصحاب شیخ ابوالحسن بیسی است و
 سکا که در زمانست و شیخ رکن الدین علاء الدوله رحمه الله تعالی اولاد
 در اینجا بوده و از بعضیات برآورده و بعضی ممالک بر اینجا وقت کرده منسوبات
 نوی است **محمد بن الحنفیة الجوی رحمه الله** کتبت وی ابوعلی الله استناد
 شیخ ابوالحسن بیسی است وی علوم ظاهری و باطنی آراسته بوده است عین
 القضاة در یکی از مکتوبات میگوید که کسی ازین طایفه علوم ظاهری دانند
 خواجه امام ابو حامد غزالی و برادرش شیخ احمد غزالی این جمله اند و خواجه امام
 محمد حنوی به کویان بنامین جمله است چه دائم که علو فاند و از نیز کاست و زولوگ
 و نیز کتایبست در تصوف سلوة الطالین نام و در اینجا بسی حقایق و ذوق این
 طریق درج کرده است **عبد القضاة همدانی قدس الله تعالی به** کتبت و نام
 وی ابو القضاة بلعنه الله این جمالی است و عین القضاة لقب وی است
 شیخ محمد بن حنوی صحبت داشته است و شیخ امام احمد غزالی نیز وفای ابل

شیخ ابوالحسن بیسی است
 و از اصحاب شیخ ابوعلی فارمدی است
 و در زمان غزالی و حنوی
 و در زمان غزالی و حنوی
 و در زمان غزالی و حنوی

و کالات

و کالات صوری و معنوی و کالات مصنفات و کالات هر هشت وجه عربی و بیجه
 فارسی آن قد کشف حقایق و شرح ذکا بود که وی کرده است که کسی کرده است
 و از وی خوار و عبادت چون اجیا و اما الله بظهور آمده و میان وی و حضرت
 شیخ احمد مکاتبات و مراسلات بسیار است و از ان جمله رساله عیسییه است
 که شیخ نوی نوشته که در فصاحت و بلاغت و روانی و سلامت توان گفت که او
 نظری نیست عین القضاة در کتاب زبانه الحقایق میگوید که بعد از آنکه از
 لغت و کوی علوم رسمی ملوک شده عطا الله مصنفات تحفه الاسلام
 شتغال نویسم و مدت چهار سال در ان سائل بودم چون مقصود خود
 زان حاصل کردم پیداشتم که مقصود خود واصل شدم با خود گفتیم
 انزل بمنزل تربیب و دیاب و ادب همدا سرع الاجاب و نزدیک بود که از
 طلب بازا بیستم و بر آنچه حاصل کرده بودم از علوم اقتضای تمام و مکتب
 درین می اندم تا که سیدی و مولای شیخ الامام سلطان الطریق احمد بن محمد
 الغزالی رحمه الله تعالی همدان که موطن من بود تشریف آوردند و در صحبت وی
 در بیست روز من چیزی ظاهر شد که از من و طلب من غیر خود هیچ باقی نداشت
 الا ماشاء الله و مر آنکون شعاع نیست جز طلب فنا در ان چیز و کینا چرخ هم فرج با هم
 و درین طلب فانی شده هیچ نکرده باشم و آنچه هر همه عالم را فراگذاشت چشم
 من بر هیچ نیستند که روی وی دادند نه بیشتر و هر نفسی که استغرا از من در ان

شیخ ابوالحسن بیسی است
 و از اصحاب شیخ ابوعلی فارمدی است
 و در زمان غزالی و حنوی
 و در زمان غزالی و حنوی
 و در زمان غزالی و حنوی